

نیکولا ماکیاوولی فیلسوف و نظریه‌پرداز معروف ایتالیایی (1469م)

نیکولا برناردویی ماکیاوولی، فیلسوف و نظریه‌پرداز ایتالیایی در 3 دسامبر 1469م در فلورانس ایتالیا به دنیا آمد و از جوانی وارد فعالیت‌های سیاسی شد.



نیکولا برناردویی ماکیاوولی، فیلسوف و نظریه‌پرداز ایتالیایی در 3 دسامبر 1469م در فلورانس ایتالیا به دنیا آمد و از جوانی وارد فعالیت‌های سیاسی شد. پس از فروپاشی سلطنت و برقراری حکومت جمهوری در ایتالیا وی در حالی که 29 سال داشت در مقام دبیر شورای ده نفره حکومت جمهوری مشغول به فعالیت گردید و مدت 14 سال در این منصب بود. با این حال، پس از آن به دنبال جنگ قدرت به زندان افتاد. ماکیاوولی در عصری می‌زیست که عصر خودکامگی، گستاخی، زیرکی، فریب، خیانت، کینه‌توزی، بدبینی، نفرت و شهوت بود و او نظامی فلسفی آورد که با تناقضات آن روزگار مناسبت داشت. ماکیاوولی، اساس اخلاقیات را واژگون کرد. به دنیایی که سرشار از توحش بود صریحاً می‌گفت که بهترین شیوه و خطمشی زندگی، بی‌شرافتی است. یگانه شعار سیاسی او این بود که شاه فوق تمام قیود و الزامات مردم عادی است. او اصول موعظه مسیحیت را که از راه تحقیر، به آن، راهنمای بردگی می‌گفت طرد کرد و برای اربابان، موعظه شمشیر تدارک دید. ماکیاوولی برای آغاز دوباره زندگی سیاسی و نزدیک شدن به خاندان سلطنتی به نگارش مهم‌ترین اثر سیاسی خود با نام پرنس یا شهریار دست زد. این کتاب گرچه نتوانست در این راه کمکی به نویسنده‌اش کند اما به عنوان یک اثر مورد توجه سیاست‌مداران قرار گرفت و دنیایی دیگر در عرصه سیاست نوین پی‌ریزی کرد. ماکیاوولی در این کتاب، مجموعه‌ای از رهنمودها و ارشادات را برای اداره موفقیت‌آمیز یک حکومت عرضه می‌کند؛ نماینده‌ای که در ده اصل خلاصه می‌شود که عبارتند از: همیشه در پی سود خویش باش؛ جز به خویشتن هیچ کس را محترم مدار؛ بدی کن اما چنان وانمود کن که نیکی می‌کنی؛ حریص باش و هرچه را می‌توانی تصاحب کن؛ خسیس باش؛ خشن و درنده‌خوی باش؛ چون فرصت به دست آوری دیگران را بفریب؛ دشمنانت را بکش و اگر می‌توانی دوستانت را نیز؛ در رفتار با مردم به زور توسل جوی نه مهربانی و همه مساعی خود را بر جنگ متمرکز ساز. از دیدگاه ماکیاوولی، چون مردم ساده‌لوح می‌باشند لذا شهریار باید کاری کند که کمتر کسی حقیقت او را دریابد و مردم را با اعمال ظاهری و نظاهر به درستی‌کاری و پایبندی به مذهب بفریبد. مجموعه افکار ماکیاوولی که به ماکیاولیسم منجر می‌شود در حقیقت، مرامی است بر پایه‌های فریب، ریاکاری و نادرستی. نظریات ماکیاوولی، اثر سویی بر جباران و دیکتاتوران جهان داشت اما این شاگردان مکتب ماکیاوولی نشان دادند که فلسفه او از جاده صواب به دور است زیرا بدبختی و ادبار سرانجام بر خود آنان نازل شد. نیکولا ماکیاوولی در نهایت در 20 سپتامبر 1530م در 61 سالگی درگذشت.